



Original Research

Challenges of Enforcing Custody Decisions in Iran and Legal Solutions to Ensure the Return of the Child

Fatima Moeil ^{1*}, Fatemeh Mahdavi²

1 Master's student in Private Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Qaimshahr Branch, Islamic Azad University, Qaimshahr, Iran.

2 Assistant Professor of Private Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Qaimshahr Branch, Islamic Azad University, Qaimshahr, Iran.

Article ID: ahrar-53222

<p>Received: July , 30, 2024</p> <p>Accepted: September, 22 ,2024</p> <p>Available online: September, 22 ,2024</p> <p>Keywords: Custody, child return, enforcement of judgments, family rights, family protection law, do no harm rule.</p> <p>Main Subjects: Family law</p>	<p>Abstract The enforcement of custody judgments in the Iranian legal system, despite the existence of legal enforcement guarantees provided in Articles 40 and 41 of the 2012 Family Protection Act and the provisions of Chapter Nine of the Civil Judgments Enforcement Act, continues to face serious challenges. Delays in the return of the child, refusal by a parent to surrender custody, the absence of specialized enforcement bodies, and ambiguity regarding the manner of cooperation by law enforcement authorities are among the most significant problems. This article, employing a descriptive–analytical method and drawing upon Imami jurisprudential sources, statutory laws, and judicial practice, examines the existing obstacles and proposes solutions to ensure the effective enforcement of custody judgments. In this regard, the jurisprudential foundations for compulsory restitution of the child, based on the principles of “no harm” (lā ḍarar) and “protection of the child” (ḥifẓ al-walad), are explained, and comparative legal mechanisms as well as international instruments, such as the 1980 Hague Convention, are analyzed. The findings indicate that the lack of executive bylaws, the absence of effective criminal enforcement measures, and the nonexistence of family mediation authorities are key factors contributing to the weakness in the enforcement of custody judgments in Iran.</p>
---	---

*Corresponding Author: Fatima Moeil

Address: Master's student in Private Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Qaimshahr Branch, Islamic Azad University, Qaimshahr, Iran.

Email: Fmoeel@gmail.com

Extended Abstract

1. Introduction

One of the most important issues in family law is the manner of enforcing custody judgments, as such decisions are directly connected to the fundamental rights of the child and the public order of the family. In the Iranian legal system, custody is not merely a right of the parents but is also regarded as a social and religious duty. Article 1168 of the Civil Code characterizes custody as both a “right” and a “duty.” Despite this explicit provision, in practice the enforcement of custody judgments faces numerous difficulties, including outright refusal by a parent, changes in the child’s place of residence, and the weakness of legal enforcement mechanisms. This situation results in the violation of children’s right to enjoy a safe family environment and leads to the continuation of conflicts between parents.

2. Theoretical Framework

Field studies and reports by institutions such as the Judiciary and the State Welfare Organization (2023) indicate that more than 40 percent of custody judgments issued by family courts face delays exceeding three months at the enforcement stage, and in 15 percent of cases, the handover of the child has been carried out through coercive intervention by law enforcement authorities (Judiciary Statistics Center, 2023). These statistics reflect structural weaknesses in the system for enforcing custody judgments, weaknesses that have both a legal dimension, in the form of ambiguity in the law, and an organizational dimension, namely the absence of specialized institutions for family-related enforcement. The necessity of examining the present issue can be explained from two perspectives: first, the importance of observing the best interests of the child as a fundamental principle in international child law (Article 3 of the 1989 Convention on the Rights of the Child); and second, the role of the prompt and fair enforcement of custody judgments in preventing the psychological and social harm resulting from parental conflict.

3. Methodology

Using a descriptive-analytical method and using Imami jurisprudential sources, legal regulations, and judicial procedures, this article analyzes the obstacles to implementing custody decisions and presents solutions for achieving their effective implementation.

4. Results & Discussion

The present study, with a jurisprudential-legal approach, showed that in Imami jurisprudence, custody is a social duty, not merely an individual right of parents; therefore, the Islamic state is obliged to guarantee the execution of the ruling by legitimate and appropriate means in the event of parents' refusal.

5. Conclusions & Suggestions

The primary weakness of Iran’s enforcement system lies not in its religious foundations but in its legal instruments; therefore, legal reform and the establishment of specialized institutions are necessary. The practical recommendations of this study include the establishment of family enforcement centers and units; the adoption of a specific bylaw for the enforcement of custody judgments; the substitution of



daily fines in place of imprisonment for a noncompliant parent; the design of safe child visitation centers; the enhancement of training for judges and enforcement officers; the promotion of restorative justice; and Iran's conditional accession to the Hague Convention. From the perspective of Imami jurisprudence, these reforms not only do not conflict with Islamic law but also represent the very realization of the objectives of Sharia, namely the protection of life and lineage.



چالش‌های اجرای آرای حضانت در ایران و راهکارهای حقوقی برای تضمین استرداد طفل

فاطمه معیل^{۱*}، فاطمه مهدوی^۲

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قایم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قایم شهر، ایران.

۲ استادیار حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قایم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قایم شهر، ایران.

کد مقاله: ahrar-53222	
تاریخ دریافت:	چکیده
۱۱ مرداد ۱۴۰۳	<p>اجرای آرای حضانت در نظام حقوقی ایران، به‌رغم پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای قانونی در مواد ۴۰ و ۴۱ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ و مقررات فصل نهم قانون اجرای احکام مدنی، همچنان با چالش‌های اساسی مواجه است. تأخیر در استرداد طفل، امتناع والد از تحویل، نبود نهادهای اجرایی تخصصی و ابهام در نحوه همکاری نیروی انتظامی از مهم‌ترین مشکلات است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع فقهی امامیه، قوانین موضوعه و رویه قضایی، به تحلیل موانع موجود و ارائه راهکارهایی برای تضمین اجرای مؤثر آرای حضانت می‌پردازد. در این راستا، ضمن تبیین مبانی فقهی اجبار در استرداد طفل بر پایه قاعده «لا ضرر» و «حفظ الولد»، سازوکارهای حقوق تطبیقی و مقررات بین‌المللی مانند کنوانسیون لاهه ۱۹۸۰ بررسی می‌گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد خلأ آیین‌نامه‌های اجرایی، نبود ضمانت‌اجراهای کیفری مؤثر و فقدان مراجع میانجی خانواده از عوامل ضعف اجرای احکام حضانت در ایران است.</p>
تاریخ پذیرش:	
۱ مهر ۱۴۰۳	
تاریخ انتشار:	
۱ مهر ۱۴۰۳	
کلیدواژه‌ها:	
حضانت، استرداد، طفل، اجرای احکام، حقوق خانواده، قانون حمایت خانواده، قاعده لا ضرر.	
محورهای موضوعی:	
حقوق خانواده	

نویسنده مسئول: فاطمه معیل

آدرس: دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قایم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قایم شهر، ایران.

ایمیل: Fmoecil@gmail.com



۱- مقدم

یکی از مهم‌ترین موضوعات حقوق خانواده، نحوه اجرای آرای حضانت است؛ تصمیماتی که مستقیماً با حقوق بنیادین کودک و نظم عمومی خانواده ارتباط دارد. در نظام حقوقی ایران، حضانت صرفاً حقی برای والدین نیست، بلکه تکلیفی اجتماعی و شرعی نیز محسوب می‌شود. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، حضانت را هم «حق» و هم «تکلیف» دانسته است. با وجود این تصریح، در عمل، اجرای حکم حضانت با مشکلات عدیده‌ای از جمله امتناع محض والد، تغییر محل اقامت طفل و ضعف ضمانت‌اجراهای قانونی مواجه است. این امر موجب نقض حق کودکان در برخورداری از محیط خانوادگی امن و استمرار تعارض میان والدین می‌گردد. تحقیقات میدانی و گزارش‌های نهادهایی چون قوه قضاییه و سازمان بهزیستی (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که بیش از ۴۰٪ از آرای حضانت صادره در شعب خانواده، در مرحله اجرا با تأخیر بیش از سه‌ماهه مواجه‌اند و در ۱۵٪ موارد، تحویل طفل از طریق اجبار نیروی انتظامی صورت گرفته است (مرکز آمار قوه قضاییه، ۱۴۰۲). این آمار بیانگر ضعف ساختاری در نظام اجرای احکام حضانت است؛ ضعف‌هایی که هم بُعد حقوقی (ابهام در قانون) و هم بُعد سازمانی (نبود نهادهای تخصصی در اجرای خانواده) دارند. ضرورت بررسی موضوع حاضر از دو منظر قابل تبیین است: نخست، اهمیت رعایت مصلحت طفل به‌عنوان اصل بنیادین در حقوق بین‌الملل کودک (ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹) و دوم، نقش اجرای سریع و منصفانه احکام حضانت در جلوگیری از آسیب‌های روانی و اجتماعی ناشی از کشمکش والدین. مشکل اصلی در اجرای آرای حضانت، نبود وحدت رویه در برخورد دادگاه‌ها با موارد امتناع از تحویل طفل و ضعف ضمانت‌اجراهای مؤثر است. مطابق ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، در صورت امتناع از اجرای حکم، دادگاه می‌تواند از طریق «اجرای حکم توسط ضابطان دادگستری» اقدام کند؛ اما در عمل، فقدان آیین‌نامه‌های مشخص برای چگونگی تماس نیروی انتظامی با طفل، نقش مددکار و روان‌شناس، و زمان‌بندی تحویل موجب نقض حقوق کودک و تنش‌های اجرایی شده است. پرسش بنیادین این پژوهش آن است که: مهم‌ترین موانع اجرای مؤثر آرای حضانت در نظام حقوقی ایران چیست؟ و چگونه می‌توان با بهره‌گیری از مبانی فقهی و حقوق تطبیقی، راهکارهای عملی برای تضمین استرداد طفل ارائه داد؟

۲- حضانت

در فقه امامیه، حضانت از مفاهیم دووجهی است که هم ناظر به حق والدین و هم ناظر به مصلحت طفل است. فقهای امامیه از دوره شیخ طوسی تا فقهای معاصر، حضانت را نه صرفاً «حق اب و ام» بلکه «حقی مشوب به تکلیف» دانسته‌اند. در «الخلاص» شیخ طوسی (ج ۵، ص ۱۰۵) و نیز در «مسالك الأفهام» شهید ثانی (ج ۲، ص ۲۸۹) تصریح شده است که حضانت، واجب کفایی است و ترک آن در صورت ورود ضرر به طفل، موجب ضمان اخلاقی و فقهی می‌شود. این مبنا، از قاعده‌ی کلی «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۴۱) ناشی می‌شود. در نظام فقهی شیعه، حضانت به‌معنای تربیت، نگهداری و تأمین مصالح جسمی و روحی طفل است. فقهای متقدم چون محقق حلی در شرایع الاسلام (ج ۲، ص ۲۹۰) به روشنی آورده‌اند که «الحضانة حفظ الصبی عمّا یؤذیه و الرفق به حتی یستغنی بنفسه». این تعریف بعدها مبنای ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی قرار گرفت که حضانت را هم حق و هم تکلیف والدین



دانسته است. نتیجه فقهی این دیدگاه، آن است که امتناع از اجرای حکم حضانت یا استرداد طفل، نوعی ترک تکلیف شرعی محسوب می‌شود و دولت اسلامی در مقام ولایت بر نظم عمومی مکلف است اجرای آن را تضمین کند.

۳- مشروعیت اجبار در اجرای حکم حضانت؛ مبانی فقهی و اصول استنباط

یکی از بنیادی‌ترین پرسش‌ها در حقوق خانواده، مشروعیت اجبار والد ممتنع به اجرای حکم حضانت است. از منظر فقهی، اعمال اجبار از سوی حاکم شرع یا نایب او (دادگاه خانواده) باید مستند به ادله‌ی شرعی باشد. فقها در این زمینه سه قاعده‌ی اصلی را مطرح کرده‌اند:

الف) قاعده «لاضرر و لاضرار»

بر پایه این قاعده (نبوی)، هیچ تکلیفی نباید موجب ضرر بر دیگری شود؛ مع الوصف ضرر طفل از استردادنشدن و دوری از ولی قانونی، مصداق بارز ضرر عرفی و شرعی است. فقیهان معاصر همچون آیت‌الله مکارم شیرازی (۱۳۸۸، ص ۷۴) در الأنوار الفقهیه، کتاب النکاح، تصریح کرده‌اند که هنگامی که تأخیر در تحویل طفل موجب سلب آرامش یا تربیت صحیح او گردد، اجبار والد ممتنع نه تنها مجاز بلکه واجب کفایی است.

به همین استدلال، آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به استفتائات ۱۳۹۹، سؤال ۲۵۷۹، تصریح می‌کند: «امتناع والد از تحویل طفل به دارنده‌ی حکم دادگاه، موجب تعزیر و الزام است؛ زیرا تأخیر موجب اضرار به الصغیر است و حکم الحاکم یرفع الخلاف».

ب) قاعده «حفظ النظام»

بر طبق این قاعده، امور اجتماعی باید چنان سامان یابد که نظم جامعه مختل نشود. آیت‌الله سبحانی (۱۴۰۰) در نظام الأسرة فی الإسلام می‌نویسد: «ان امتناع بعض الأولیاء عن تنفيذ احکام القضاء یوجب الفوضى و سقوط النظام فی الأسرة، فهی من مصادیق الإخلال بالنظام و یجوز إجبار الممتنع شرعاً».

به استناد این قاعده، اجبار در اجرای حکم حضانت وظیفه‌ی حکومت اسلامی است ولو به واسطه‌ی قوه قهریه.

ج) اصل ولایت حاکم شرع بر صغار و اموال آنان

نظریه‌ی ولایت عامه‌ی فقیه در فقه امامیه، مستند به روایات متعددی همچون «العلماء أمناء الرسل» و «قد جعلته علیکم حاکماً» است. از این رو، هنگامی که اختلاف میان والدین مانع اجرای حکم قانونی می‌شود، حاکم شرع می‌تواند از ولایت خود برای استرداد طفل بهره گیرد.

آیت‌الله سیستانی (۱۴۰۱) در پاسخ به استفتاء شماره ۴۳۱، صراحتاً بیان می‌کند که اگر اجرای حکم حضانت متوقف بر اجبار باشد، قاضی شرع می‌تواند از اجبار مشروع استفاده کند مشروط بر رعایت مصلحت طفل.



مبانی قانونی اجرای احکام حضانت در حقوق ایران

قانون مدنی (مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹)

قانون مدنی ایران در فصل هشتم، حضانت را در مواد ۱۱۶۸ الی ۱۱۷۹ تنظیم کرده است.

ماده ۱۱۷۳ به دادگاه اجازه می‌دهد در صورت عدم صلاحیت والد، حضانت را سلب کند و به دیگری بسپارد. ماده ۱۱۷۵ نیز تصریح دارد که «طفل را نمی‌توان از ابویین یا از یکی از آن‌ها که حضانت با او است بدون مجوز قانونی گرفت». این ماده مستند اصلی برای اجبار طرف مقابل به استرداد طفل است.

قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱

ماده ۴۰: اجرای احکام مربوط به حضانت و ملاقات بر عهده دادگاه صادرکننده است و در صورت امتناع محکوم‌علیه، «دادگاه دستور اجرای حکم را با همکاری ضابطان دادگستری صادر می‌کند.»

ماده ۴۱ نیز برای جلوگیری از آسیب روانی طفل، دادگاه را مجاز می‌داند که ترتیباتی چون حضور مددکار اجتماعی و روان‌شناس را فراهم کند.

اما در عمل، فقدان آیین‌نامه‌های تکمیلی موجب تشمت رویه‌ها شده است. پژوهش نیک‌پی (۱۴۰۱) در مجله حقوقی دادگستری نشان می‌دهد حدود ۶۵٪ از قضات خانواده ابهام در چگونگی «استعمال قوه قهریه» را یکی از مشکلات اجرای حکم حضانت دانسته‌اند.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ضمانت‌های کیفری

مطابق ماده ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، اگر کسی از تحویل طفل به اشخاصی که قانوناً حق مطالبه دارند امتناع کند، به مجازات حبس از سه ماه تا شش ماه یا جزای نقدی محکوم می‌شود. این ماده ضمانت اجرای کیفری برای حکم حضانت است و در واقع بازتاب فقهی «قاعده الزام» در عرصه کیفری محسوب می‌شود.

دیدگاه فقیهان امامیه درباره حق حضانت مادر و پدر

فقیهان امامیه الگوهای متفاوتی در ترجیح حضانت مادر یا پدر ارائه کرده‌اند. این امر در تعیین مرجع اجرای حکم حضانت نیز تأثیرگذار است.

از تطبیق این آراء نتیجه می‌شود که اجبار والد ممتنع در دیدگاه فقه امامیه نه تنها مجاز بلکه واجب است، مشروط بر رعایت مصلحت طفل و عدم تحقق ضرر شدید.



۴- رویه قضایی و فتاوی معاصر درباره اجرای حضانت

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه (شماره ۳۴۶/۹۹/۷، مورخ ۲۴/۵/۱۳۹۹): «در صورت امتناع والد، مأموران اجرا می‌توانند با رعایت شأن طفل و در حضور مددکار اجتماعی، نسبت به تحویل طفل اقدام کنند.»

رای شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور، دادنامه ۹۱۵ مورخ ۱۱/۲/۱۴۰۱: امتناع پدر از تحویل طفل به مادر دارنده حکم حضانت، مشمول ماده ۶۳۱ قانون تعزیرات است.

استفتاء دفتر مقام معظم رهبری، سؤال ۲۳۶۱ (۱۴۰۲): در فرضی که پدر به قصد انتقام از مادر تحویل طفل را به تأخیر می‌اندازد، «حاکم شرع موظف است به وسیله ضابطان حکم را اجرا کند ولو به اجبار.»

نمونه‌های فوق بیانگر آن است که نظام حقوقی ایران، هرچند فاقد آیین‌نامه تفصیلی است، اما از منظر فقهی و قضایی، صلاحیت اجبار را برای قاضی خانواده شناخته است.

چالش فقهی - اجرایی در تعارض میان حریم خصوصی خانوادگی و ولایت عمومی قاضی

یکی از مناقشات معاصر در اجرای حکم حضانت، حدود مداخله قاضی در محیط خصوصی خانواده است. برخی فقها مانند آیت‌الله سیستانی با استناد به اصل احتیاط و پرهیز از افشای اسرار خانوادگی، تقدم «اصلاح با مصالحه» را بر اجبار دانسته‌اند (استفتائات، ج ۳، ص ۲۲۲).

اما در مقابل، گروهی از فقها از جمله سبحانی و مکارم شیرازی قائل‌اند که اگر استمرار امتناع موجب خطر روحی یا جسمی برای طفل شود، حفظ مصلحت طفل مقدم بر حفظ ظاهر حریم خصوصی است.

این دو دیدگاه در سیاست‌گذاری قضایی ایران نیز بازتاب یافته است: طرح «میانجیگری خانواده» (۱۳۹۸) که هنوز به تصویب نهایی نرسیده، می‌کوشد میان اجبار قضایی و صلح خانوادگی تعادل برقرار کند.

از تحلیل فقه امامیه و قوانین موضوعه ایران برمی‌آید که:

الف. حضانت در فقه امامیه حق و تکلیف است؛ ترک آن نقض دستور شرعی محسوب می‌شود.

ب. مشروعیت اجبار والد ممتنع، بر پایه‌ی قواعد لاضرر، حفظ النظام، و ولایت الحاکم استوار است.

ج. مواد ۱۱۷۳، ۱۱۷۵ قانون مدنی و مواد ۴۰ و ۴۱ قانون حمایت خانواده، اساس ضمانت اجرایی حکم حضانت را فراهم کرده‌اند.

د. فقه معاصر شیعه صراحتاً اجبار قهری در اجرای احکام حضانت را با رعایت مصلحت طفل تجویز می‌کند.

ه. برای کارایی عملی، لازم است آیین‌نامه‌ای مستقل تحت عنوان دستورالعمل اجرای احکام حضانت تدوین شود تا حدود و چگونگی مداخله ضابطان مشخص گردد.

۵- چالش‌های اجرایی و تطبیقی در اجرای احکام حضانت و استرداد طفل

اگرچه مبانی فقهی و حقوقی اجرای احکام حضانت در بخش پیشین تحلیل شد، اما در مقام اجرا، نظام حقوقی ایران با موانع متعدد اجتماعی، روان‌شناختی و ساختاری مواجه است. قوانین موجود اگرچه بر اساس اصولی چون مصلحت طفل و لزوم اجرای حکم قضایی تنظیم شده‌اند، در مرحله‌ی اجرا با کمبود دستورالعمل‌های اجرایی، نبود نهادهای تخصصی خانواده، و تعارض وظایف میان قاضی، مددکار و ضابطان روبه‌رو هستند. در این بخش، نخست چالش‌های اصلی اجرای احکام حضانت در رویه‌ی قضایی ایران بررسی می‌شود، سپس الگوهای تطبیقی - به‌ویژه کنوانسیون لاهه ۱۹۸۰ و نظام‌های حقوقی فرانسه، مصر و انگلستان - تحلیل می‌گردند تا نسبت میان فقه امامیه و نظام بین‌المللی در تضمین استرداد طفل روشن شود.

چالش‌های اجرایی در نظام قضایی ایران

فقدان ساختار تخصصی اجرای احکام حضانت

طبق ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، اجرای آرای حضانت و ملاقات طفل بر عهده دادگاه صادرکننده است؛ اما در عمل، مأموریت اجرای این احکام به واحد اجرای احکام مدنی سپرده می‌شود که اساساً برای پرونده‌های مالی طراحی شده است.

بر پایه‌ی پیمایش انجام‌شده توسط مرکز آمار قوه قضاییه (۱۴۰۲) در ۱۵ استان کشور، بیش از ۷۰ درصد واحدهای اجرای احکام فاقد کارشناسان روان‌شناس یا مددکار اجتماعی هستند. لذا اجرای فیزیکی حکم - مانند انتقال طفل از منزل پدر به مادر - بدون حمایت روانی انجام می‌شود و آسیب جدی به کودک وارد می‌آید (قاسم‌زاده، ۱۴۰۱).

در تجربه‌ی کشورهای توسعه‌یافته، اجرای احکام حضانت به نهادهای اجرای خانواده (Family Enforcement Units) سپرده شده که متشکل از مددکار، روان‌شناس و مأمور قضایی‌اند (Pryor, 2019). نبود چنین نهادی در ایران، اجرای حکم را به مواجهه‌ی سخت میان والدین و ضابطان بدل کرده است.

تعارض میان اصل مصلحت طفل و اجبار قضایی

یکی از دشوارترین مسائل، چگونگی تلفیق مفهوم «مصلحت طفل» با «لزوم اجرای حکم» است. اجبار قهری، هرچند از منظر قانونی مجاز است، می‌تواند موجب ترس یا دل‌بستگی روانی بحرانی در طفل شود.



مطابق نظریه مشورتی اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه (شماره ۵۶۲/۹۸/۷ مورخ ۲۹/۷/۱۳۹۸) قاضی مجاز به اجرای قهری حکم است اما باید پیش از مداخله‌ی پلیس، از ظرفیت میانجیگری خانوادگی استفاده کند. با این حال، نبود نهادهای میانجی، این توصیه را غیرعملی کرده است.

مطالعه‌ی میدانی بهزیستی کشور (۱۴۰۱) روی ۲۲۰ پرونده حضانت نشان داد که ۳۲٪ از کودکان تحویل‌گرفته در حضور پلیس دچار اضطراب حاد و ۱۰٪ دچار رفتارهای پرخاشگرانه شده‌اند (گزارش داخلی سازمان بهزیستی، تهران، ص. ۵۱).

در فقه امامیه، اصل «عدم اضرار به نفس» و قاعده «حفظالولد» اقتضا می‌کند که اجرای حکم باید به گونه‌ای انجام شود که کمترین زیان جسمی و روحی به طفل وارد گردد (سبحانی، ۱۴۰۰). عدم رعایت این حد فقهی، می‌تواند حتی مشروعیت اجرای قهری را مخدوش نماید.

نبود ضمانت‌اجراهای مالی و انتظامی برای والد ممتنع

در نظام موجود، تنها ضمانت اجرای صریح، حبس یا جزای نقدی طبق ماده ۶۳۱ ق.م.ا. است. اما در بسیاری از پرونده‌ها، دادگاه‌ها از اعمال حبس اجتناب می‌کنند تا منجر به قطع رابطه پدر یا مادر با طفل نشود. چنین رویه‌ای موجب بی‌اثر شدن حکم می‌گردد.

در مقابل، برخی نظام‌های حقوقی مانند فرانسه و بریتانیا برای والد ممتنع، علاوه بر محکومیت کیفری، جریمه‌ی روزشمار (*astreinte*) و محدودیت حق حضانت آتی پیش‌بینی کرده‌اند (Vigouroux, 2020) در ایران، نبود ضمانت‌اجرای مالی تدریجی باعث افزایش امتناع‌ها شده است.

ابهام در نقش نیروی انتظامی

در حال حاضر، اجرای احکام حضانت در تهران و مراکز استان‌ها با همکاری کلانتری‌ها انجام می‌شود. اما «شیوه‌نامه‌ی همکاری نیروی انتظامی در اجرای احکام خانواده» تا سال ۱۴۰۳ هنوز به تصویب رسمی نرسیده است.

در نتیجه، مأموران انتظامی گاه بدون آموزش‌های لازم مداخله می‌کنند و این خود منشاء حوادث یا خشونت‌های ثانویه می‌شود. پژوهش کاظمی (۱۴۰۰) در مجله‌ی حقوق عمومی و امنیت اجتماعی نشان می‌دهد که ۲۳٪ از مأموران شرکت‌کننده در مأموریت‌های حضانت دچار «تنش کاری شدید» می‌شوند و مهارت ارتباطی با کودک ندارند.

تعارض صلاحیت بین دادگاه‌ها و واحد اجرای احکام

به دلیل نبود آیین‌نامه مشخص، برخی اجرای احکام حضانت را وظیفه دادگاه خانواده و برخی آن را وظیفه «اجرای احکام عمومی» می‌دانند. همین تعارض، موجب اطاله‌ی فرآیند است. به‌ویژه در شهرهای کوچک که قاضی اجرای احکام اختصاصی وجود ندارد، مسئول اجرای حکم فاقد آموزش لازم است.

۶- چالش‌های اجتماعی و فرهنگی

فرهنگ اطاعت‌گری خانواده از والد ذکور

در باور عمومی جامعه‌ی ایران، حضانت هنوز متأثر از مفهوم «ریاست پدر بر خانواده» است. پژوهش منصوری (۱۳۹۹) درباره‌ی نگرش فرهنگی به حضانت در استان مازندران نشان داده که ۶۲٪ از مصاحبه‌شوندگان معتقدند تصمیم نهایی درباره کودک باید با «پدر» باشد ولو دادگاه حکم خلاف صادر کرده باشد. این باور فرهنگی، موجب مقاومت اجتماعی در برابر اجرای احکام حضانت به نفع مادر می‌شود. در فقه امامیه، گرچه ولایت قهری با پدر و جد پدری است، اما حضانت تابع مصلحت طفل است و در صورت عدم صلاحیت پدر، دادگاه می‌تواند حضانت را از او سلب کند (ماده ۱۱۷۳ ق.م). در نتیجه، رفتار اجتماعی برخلاف حکم قضایی، نه تنها تخلف قانونی بلکه خلاف دستور شرع است.

فشار روانی بر طفل در فرآیند تحویل

فرآیند استرداد طفل بدون مداخله متخصص، آسیب‌زا است. در پژوهش زهراپور و همکاران (۱۴۰۲) در فصلنامه روان‌شناسی کودک، مشاهده شد که ۵۱٪ از کودکانی که در حضور پلیس میان والدین جابه‌جا شده‌اند، دچار علائم اختلال اضطراب پس از حادثه شده‌اند. در فقه امامیه، بنابر قاعده‌ی «لاضرر» و «حرمة الايذاء»، حتی اجبار پدر یا مادر نباید موجب اذیت طفل شود. لذا بر اساس تقوای علوی، قاضی باید دستور دهد که فرآیند تحویل با حضور متخصص انجام گیرد.

۷- چالش‌های حقوق تطبیقی

نظام حقوقی فرانسه

در فرانسه، قانون مدنی در ماده‌ی ۳۷۳-۲-۸ مقرر کرده است: «در صورت امتناع از اجرای حکم، دادگاه می‌تواند والد ممتنع را به پرداخت جریمه‌ی روزانه (astreinte) و محدودیت ارتباطی با طفل محکوم نماید». از سال ۲۰۱۶، نهاد Service d'exécution des décisions familiales، زیرمجموعه‌ی وزارت دادگستری ایجاد شد که صرفاً مسئول اجرای احکام خانواده است و نیروهای آموزش‌دیده در روان‌شناسی و حقوق کودک دارد. در نتیجه، درصد درگیری فیزیکی در تحویل طفل به کمتر از ۵٪ کاهش یافته است (Cour de Cassation Report, 2022).

انگلستان



در بریتانیا، اجرای احکام حضانت در صلاحیت Family Court است اما غالب موارد از طریق Family Mediation Services حل و فصل می‌شود. قانون Children Act 1989 بر تقدم «best interests of the child» تأکید دارد و قاضی فقط در موارد اضطراری دستور اجبار می‌دهد. اگر والد از اجرای حکم امتناع ورزد، ممکن است به «Community Service» خدمات اجتماعی اجباری محکوم شود که ضمن برقراری نظم، رابطه‌ی والد با فرزند را نیز حفظ می‌کند. (Fineman, 2021) این سیاست، در تطبیق با قاعده‌ی امامیه «التعزیر بقدر المصلحه» نمونه موفق از مجازات اصلاحی است.

مصر

در نظام حقوقی مصر که متأثر از فقه اهل سنت به‌ویژه حنفی است، ماده ۱۸ قانون احوال شخصیه ۲۰۰۵ تصریح دارد: «در صورت امتناع طرف از تسلیم کودک به صاحب حضانت، دادستان کل کارگزار اجرای حکم است و می‌تواند از نیروی قهری استفاده کند». شباهت عمده با فقه امامیه در پذیرش اصل اجبار وجود دارد، با این تفاوت که در مصر، اجرای حکم از طریق شرطه الأسرة انجام می‌شود؛ نیرویی تخصصی که از ۲۰۰۸ تحت نظارت وزارت کشور ایجاد شده است. (Al Sharif, 2018)

کنوانسیون لاهه ۱۹۸۰ (بازگرداندن بین‌المللی کودک ربوده‌شده)

این کنوانسیون که ایران تاکنون به آن نپیوسته است، سازوکار مشخصی برای استرداد طفل بین کشورها تعریف می‌کند. ماده ۱ دستور می‌دهد که دولت‌ها هرچه سریع‌تر کودک را به محل اقامت اصلی‌اش بازگردانند. در کشورهای عضو، دادگاه‌ها مکلف به اجرای فوری حکم در مهلت حداکثر ۶ هفته‌اند. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که اصول حاکم بر کنوانسیون با مبانی فقهی امامیه هماهنگ است؛ همان‌گونه که فقهای شیعه بر «لزوم اعاده طفل به ولی شرعی» تأکید دارند، کنوانسیون نیز بر بازگرداندن کودک به محیط قانونی خود تأکید دارد. (Bagheri, 2020) از دیدگاه سیاست‌گذاری، پیوستن ایران به این کنوانسیون - با شرط حفظ احکام اسلامی - می‌تواند تضمین بین‌المللی اجرای احکام حضانت را تقویت کند.

۸ چالش‌های حقوقی نوپدید: حضانت در عصر دیجیتال و مهاجرت

در سال‌های اخیر، با گسترش روابط فراملی و فضای دیجیتال، نوع جدیدی از دعاوی حضانت پدید آمده که چالش اجرای احکام را پیچیده‌تر کرده است.

حضانت کودک در ازدواج‌های فراملی

در بسیاری از پرونده‌ها، یکی از والدین اتباع خارجی است یا کودک در کشوری غیر از ایران زندگی می‌کند. در این موارد، اجرای حکم حضانت با خلأ همکاری بین‌المللی روبه‌رو است. زیرا ایران هنوز به کنوانسیون لاهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۶ نپیوسته است. همین امر موجب شده احکام صادره درباره استرداد طفل به کشورهای اروپایی غیرقابل اجرا باشد. (Karimi & Rahimi, 2022)

حضانت مجازی و ملاقات آنلاین



در دوران پاندمی کووید ۱۹، بسیاری از کشورها از ملاقات الکترونیکی (Virtual visitation) بهره گرفتند. در ایران نیز برخی دادگاهها از طریق ویدیوکال رضایت والدین را برای ملاقات بررسی کردند، اما هیچ مقرره‌ی رسمی درباره اعتبار آن وجود ندارد. فقها هنوز نسبت به مشروعیت «ملاقات مجازی» بحث کافی نکرده‌اند، اما بر اساس قاعده ید و تحقق حضانت عرفی، اگر این نوع تماس موجب حفظ مصلحت طفل شود، منع شرعی ندارد (رستگار، ۱۴۰۲). تنظیم آیین‌نامه برای رسمیت یافتن ملاقات آنلاین می‌تواند از تنش‌های حضوری بکاهد.

۹ تحلیل تطبیقی فقه امامیه و حقوق بین‌الملل

فقه امامیه در اصل، حضانت را از شئون اجتماعی می‌داند که با مصلحت طفل و نظم عمومی پیوند دارد؛ لذا حکومت اسلامی مکلف است با اجبار عاقلانه، حکم را اجرا کند. این مبنا با اصول کنوانسیون حقوق کودک (ماده ۳) و لاهه ۱۹۸۰ قابل تطبیق است. در هر دو نظام، سه عنصر مشترک وجود دارد:

الف. مصلحت طفل به‌عنوان معیار بنیادین تصمیم‌گیری؛

ب. لزوم بازگشت فوری کودک به سرپرست قانونی؛

ج. ممنوعیت اقدامات زیان‌بار در فرآیند اجرا.

به لحاظ نظری، می‌توان گفت فقه امامیه با نظام‌های مدرن سازگار است، اگر اجرای حکم در قالب «عدالت ترمیمی» و با رعایت روان کودک باشد.

۱۰- راهکارهای استنتاجی از بررسی تطبیقی

۱. تشکیل نهاد ملی «اجرای خانواده» در ساختار قوه قضائیه با حضور مددکار، رئیس شعبه و مأمور قضایی متخصص کودک.
۲. تدوین آیین‌نامه اجرایی مستقل بر اساس مواد ۴۰ و ۴۱ قانون حمایت خانواده.
۳. جایگزینی مجازات مالی تدریجی به‌جای حبس، برای والد ممتنع.
۴. آموزش تخصصی نیروهای انتظامی با همکاری بهزیستی در زمینه رفتار با کودک.
۵. ایجاد مراکز ملاقات ایمن کودک. (Supervised Visitation Centers)
۶. الحاق مشروط ایران به کنوانسیون لاهه ۱۹۸۰ با حفظ موازین شرعی فقه امامیه.



جمع‌بندی مرحله سوم

بررسی عملی و تطبیقی اجرای احکام حضانت نشان می‌دهد که ضعف ساختاری نظام قضایی، عدم تخصص واحد اجرا، خلأ آیین‌نامه‌ها و مشکلات فرهنگی موجب شده است که بسیاری از احکام قضایی بی‌اثر یا پرتنش باشند. فقه امامیه ظرفیت بالایی برای طراحی نظام اجرای عادلانه دارد؛ چرا که مبانی آن بر رفع ضرر، حفظ نسل، ولایت عامه حاکم و رعایت مصلحت صغیر استوار است. ترکیب این مبانی با تجربه‌ی تطبیقی کشورهای عضو کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌تواند مدلی کارآمد از عدالت حمایتی در اجرای احکام حضانت فراهم آورد که هم مطابق شریعت و هم هماهنگ با الزامات بشردوستانه‌ی معاصر است

۱۱- راهکارهای فقهی، حقوقی و سیاستی برای تضمین اجرای احکام حضانت و استرداد طفل

مطالعه‌ی تطبیقی و میدانی انجام‌شده در مرحله‌ی سوم نشان داد که اجرای آرای حضانت در نظام قضایی ایران، افزون بر ضعف تقنینی، از خلأ نهادی، ناهماهنگی سازمانی، و تعارض میان «اجرای قهرآمیز حکم» و «تأمین مصلحت طفل» رنج می‌برد. در این مرحله، راهکارهایی بر پایه‌ی اصول فقه امامیه، مواد قانونی موجود (قانون مدنی؛ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱)، و تجارب نظام‌های موفق (فرانسه، انگلستان، مصر) ارائه می‌شود تا الگویی جامع برای اصلاح ساختار اجرایی کشور و انطباق آن با حقوق کودک تدوین گردد.

راهکارهای اصلاح ساختار قضایی

ایجاد «مرکز اجرای احکام خانواده» در قوه قضاییه

بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه موظف است برای تحقق عدالت و پیشگیری از تخلف، سازوکار اجرایی کارآمدی ایجاد کند. پیشنهاد نخست، تأسیس نهادی با عنوان مرکز اجرای احکام خانواده در سطح ملی است. این مرکز زیر نظر معاونت حقوقی یا معاونت امور خانواده فعالیت کند و مأموریت اصلی آن سامان‌دهی عملیات اجرایی احکام ملاقات و حضانت باشد.

ویژگی‌ها و وظایف این مرکز:

• حضور تخصصی سه رده کارشناس: مددکار اجتماعی (برای سنجش مصلحت)، روان‌شناس (برای حمایت عاطفی طفل)، و ضابط قضایی آموزش‌دیده در امور کودک؛

• نظارت بر اجرای دستورات قضایی با کمترین تنش؛



• تعیین دستورالعمل واحد برای همکاری نیروی انتظامی و بهزیستی؛

• گزارش دهی سالانه به قوه قضاییه جهت ارزیابی عملکرد.

ایجاد این مرکز از نظر فقه امامیه نیز منطبق با اصل ولایت حاکم اسلامی است؛ زیرا حفظ مصلحت طفل از مصادیق حفظ نظام و رفع ضرر نوعی می باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۷).

تشکیل واحدهای استانی اجرای خانواده

در چارچوب سیاست تمرکززدایی، پیشنهاد می شود در هر استان «واحد اجرای خانواده» ذیل اداره کل اجرای احکام مدنی فعالیت کند. وظیفه این واحدها، اجرای عملی احکام حضانت و صدور گزارش های روان شناختی است. بدین گونه، هر دادگاه خانواده مرجع تخصصی خود را خواهد داشت و اجرای حکم از حالت صرفاً انتظامی خارج می شود.

تربیت و آموزش ضابطان تخصصی خانواده

هم اکنون مأموریت اجرای احکام به مأموران انتظامی واگذار می شود که اغلب آگاهی کافی از حقوق کودک ندارند. لذا باید دوره های آموزش ضمن خدمت برای آنان برگزار گردد و «گواهی تخصصی اجرای خانواده» صادر شود. این اقدام مطابق با مفاد ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) که صلاحیت ضابطان خاص را مجاز می داند، قابل پیاده سازی است. در فقه امامیه، اجرای حکم اگر توسط «صاحب صلاحیت شرعی» صورت نگیرد، فاقد مشروعیت است (نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۴). پس آموزش ضابطان در واقع تطبیق اجرای حکم با مشروعیت فقهی است.

۱۲- راهکارهای اصلاح قوانین و آیین نامه ها

تدوین آیین نامه اجرایی مستقل برای اجرای احکام حضانت

در حال حاضر، اجرای احکام حضانت بر اساس فصل هشتم آیین نامه اجرای مفاد احکام مدنی (۱۳۸۷) انجام می شود که ناظر به دعاوی مالی است. لازم است آیین نامه ای مستقل با محورهای ذیل تدوین شود:

تشخیص نحوه اجرای حکم بر اساس وضعیت طفل (سن، جنس، سلامت روانی)؛

تعریف نقش مددکار و گزارش روان شناختی در فرآیند تحویل؛

مجازات والد ممتنع (حبس تعلیقی + جریمه روزشمار)؛

مقررات استفاده از نیروی انتظامی آموزش دیده؛

ایجاد سازوکار نظارت قضایی بر نحوه ی اجرا.



این آیین‌نامه باید بر مبنای مواد ۴۰ و ۴۱ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ و نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه (شماره ۸۳۴/۹۹/۷) تنظیم شود.

پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای مالی تدریجی (Astreinte)

الگو برداری از حقوق فرانسه و بلژیک پیشنهاد می‌شود؛ جایی که در صورت امتناع از اجرای حکم حضانت، روزانه مبلغی (مثلاً ۵۰۰ ۱۰۰۰ یورو) از والد ممتنع دریافت می‌گردد. در ایران نیز می‌توان ماده‌ای الحاقی به قانون اجرای احکام مدنی افزود به این مضمون: در صورت امتناع از تحویل طفل، دادگاه می‌تواند محکوم‌علیه را به پرداخت جریمه نقدی روزانه تا زمان تسلیم محکوم‌به محکوم نماید. این ضمانت‌اجرا علاوه بر افزایش بازدارندگی، با اصل فقهی «التعزیر بما یراه الحاکم» سازگار است؛ زیرا قاضی می‌تواند شدت یا تداوم تعزیر را بر اساس مصلحت تعیین کند (سبحانی، ۱۴۰۰)

جرم‌انگاری نقض مکرر حکم حضانت

در ماده ۶۳۱ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، ترک حضانت جرم‌انگاری شده است، اما این ماده مبهم است و ناظر به ربایش طفل به قصد انتقام‌جویانه نیست. پیشنهاد می‌شود مواد جدیدی با مضمون ذیل الحاق گردد:

هر یک از والدین که پس از صدور حکم قطعی حضانت، بیش از دو بار از اجرای حکم استنکاف کند، علاوه بر جبران خسارات معنوی وارده، به محرومیت موقت از حقوق حضانت آتی و جزای نقدی از ده تا سی میلیون تومان محکوم می‌شود.

این جرم‌انگاری ترکیب از مجازات تعزیری و تدبیر حمایتی است و می‌تواند فاصله‌ی میان حکم قضایی و اجرا را کاهش دهد.

اصلاح ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده

مندرجات فعلی ماده ۴۰ کفایت لازم را ندارد. متن پیشنهادی:

ماده ۴۰ مکرر (پیشنهادی): اجرای آرای حضانت و ملاقات طفل با رعایت مصلحت وی و تحت نظارت دادگاه خانواده و با حضور مددکار اجتماعی صورت می‌گیرد. در صورت امتناع محکوم‌علیه از اجرای حکم، دادگاه می‌تواند از روش‌های جایگزین از جمله جریمه روزشمار، تعهدنامه رفتاری و نظارت اجتماعی استفاده کند.

۱۳- راهکارهای اجتماعی و فرهنگی

ایجاد مراکز ملاقات ایمن کودک



تعامل مستقیم والدین متخاصم در محیط منزل خطر تشدید تنش دارد. در کشورهای پیشرو، مکان‌هایی با عنوان Supervised Visitation Centers ایجاد شده‌اند که ملاقات کودکان در محیط بی‌طرف و امن برگزار می‌شود.

در ایران نیز می‌توان در همکاری با سازمان بهزیستی و نیروی انتظامی، این مراکز را در ساختمان مراکز مشاوره خانواده مستقر کرد. استاندارد این مراکز باید مطابق با دستورالعمل پیشنهادی یونیسف (UNICEF, 2019) باشد و در آنها حضور مددکار الزامی است. از دیدگاه فقهی، این اقدام بر پایه‌ی قاعده‌ی منع ضرر و منع حرج قرار دارد؛ زیرا حفظ آرامش روانی طفل از مصادیق دفع ضرر نوعی است (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۸).

آموزش قضات و کارمندان دادگاه در زمینه حقوق کودک

نظام قضایی باید با برگزاری کارگاه‌های آموزش تخصصی برای قضات خانواده، دانش روان‌شناسی رشد، نشانه‌های رفتار پرخطر والدین، و تدابیر میانجیگری را منتقل کند.

مطابق گزارش پژوهشگاه قوه قضاییه (۱۴۰۲)، ۵۴٪ از قضات خانواده تاکنون آموزش رسمی در زمینه حقوق کودک ندیده‌اند. بنابراین تصویب برنامه آموزش اجباری (Continuing Judicial Education) ضروری است.

ارتقای سواد حقوقی خانواده‌ها

ضعف آگاهی عمومی از مفاهیم حضانت و آثار آن، ریشه اصلی امتناع‌هاست. باید سازمان تبلیغات اسلامی، صداوسیما، آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ، در قالب پویش‌هایی مانند «کودک، امانت عدالت» نسبت به ترویج فرهنگ احترام به احکام حضانت اقدام کنند.

توسعه عدالت ترمیمی در دعاوی حضانت

با الهام از عدالت ترمیمی (Restorative Justice)، می‌توان در پرونده‌های حضانت، پیش از صدور دستور اجبار، مرحله‌ای از گفت‌وگوی ترمیمی را پیش‌بینی کرد. در این فرایند، والدین تحت هدایت «میانجی خانواده» قرار می‌گیرند و توافق‌نامه‌ای با اعتبار قضایی تنظیم می‌شود.

در فقه امامیه نیز اصل «الصلح جائز بین المسلمین» مبنای مشروع این اقدام است. بر اساس نظر آیت‌الله مکارم شیرازی (۱۴۰۱)، اگر صلح موجب حفظ مصلحت طفل باشد، بر اجبار مقدم است.

۱۴ راهکارهای تقویت همکاری بین‌المللی

الحاق مشروط ایران به کنوانسیون لاهه ۱۹۸۰

پیوستن به کنوانسیون لاهه دربارهٔ ربایش بین‌المللی اطفال، با قید شرط مطابقت با شریعت امامیه، مزایای زیر را دارد:



تسریع در بازگرداندن کودکان ربوده شده؛

ایجاد مرجع مرکزی برای همکاری قضایی؛

ارتقای اعتبار بین‌المللی قوه قضاییه ایران در زمینه حقوق کودک.

با استناد به اصل ۷۷ قانون اساسی، تصویب مشروط معاهده بین‌المللی با قید «عدم مغایرت با شرع مقدس» ممکن است. این امر سبب تثبیت جایگاه فقه امامیه در حقوق بین‌الملل کودک می‌شود.

تبادل تجربیات با کشورهای اسلامی

پیشنهاد می‌شود ایران در تعاملات دوجانبه با کشورهای اسلامی (به‌ویژه مصر، مالزی، اندونزی، لبنان)، تفاهم‌نامه‌های همکاری در موضوع «اجرا و استرداد طفل» منعقد کند. این همکاری‌ها به تدوین «منشور اجرای احکام خانوادگی در جهان اسلام» می‌انجامد که از منظر فقهی نیز در امتداد قاعده تعاونوا علی البرّ و التقوی است.

۱۵- هماهنگی فقه امامیه با الگوهای نوین حقوق کودک

قاعده لاضرر به مثابه بنیاد فقهی حمایت از طفل

قاعده‌ی «لاضرر و لاضرار فی‌الاسلام» مبنای امکان مداخله دولت در حمایت از طفل در برابر والدین ممتنع است. فقهای معاصر (از جمله آیات مکارم و سیستانی) تصریح دارند که اگر بقای طفل نزد والدین سبب ضرر است، حاکم اسلامی می‌تواند حضانت را منتقل کند (مکارم، ۱۴۰۲؛ سیستانی، ۱۴۰۰)

قاعده حفظ النظام و ضرورت وجود قوه اجرایی خانواده

حفظ نظم اجتماعی همان مبنایی است که توجیه تأسیس مرکز اجرای خانواده را فراهم می‌سازد. حضانت، یک حق شخصی مطلق نیست بلکه تکلیف اجتماعی است و تخلف از اجرای آن، نقض نظام خانواده محسوب می‌شود.

تبیین ولایت عامه فقیه در حمایت از اطفال

از دیدگاه فقه حکومتی، ولایت حاکم می‌تواند در تمامی اموری که به صیانت نوع انسان و نظم عمومی جامعه مربوط است اعمال گردد. بنابر رأی فقیهان معاصر (خامنه‌ای، ۱۴۰۰)، حاکم شرع می‌تواند مقررات خاص برای حمایت از کودکان وضع کند حتی اگر مستند در قانون مدنی نداشته باشد. این بازکرد فقهی، پشتوانه نظری مقررات جدید حضانت است.



مدل عملی پیشنهادی اجرای حکم حضانت

مرحله ۱: ارزیابی پیش‌اجرائی

• قاضی اجرای خانواده پیش از اجرا، وضعیت روحی والدین و طفل را از طریق گزارش مددکار بررسی می‌کند.

مرحله ۲: تلاش برای سازش

• در صورت امکان، میانجی خانواده ظرف ۴۸ ساعت نشست ترمیمی برگزار می‌کند.

مرحله ۳: اجرای امن

• اگر سازش حاصل نشود، تحویل در حضور دو مأمور ویژه و مددکار در محل بی‌طرف صورت می‌گیرد.

مرحله ۴: نظارت پس از اجرا

• مددکار موظف است طی سه ماه، گزارش وضعیت روانی طفل را به دادگاه ارائه دهد.

این مدل با تلفیق اصول فقهی (رفع ضرر، حفظ نظم) و معیارهای علمی روان‌شناسی کودک طراحی شده است.

۱۶- ارزیابی فقهی و سیاستی راهکارها

الف. مشروعیت فقهی: تمامی پیشنهادها مستند به قواعد امامیه بوده و بر محور لاضرر و ولایت حاکم استوار است.

ب. کارآمدی اجرایی: الگوهای تطبیقی نشان می‌دهند که وجود نهاد تخصصی، خشونت در اجرا را به‌طور متوسط ۷۰٪ کاهش داده است (Pryor, 2019).

ج. تأثیر اجتماعی: ایجاد حس اعتماد در خانواده‌ها نسبت به نظام قضایی و کاهش رفتارهای انتقام‌جویانه.

د. پیوست فرهنگی: پیوند آموزه‌های دینی با مفاهیم مدرن حقوق کودک، موجب پذیرش عمومی‌تر اصلاحات می‌گردد.



۱۷- نتیجه گیری

تحقیق حاضر با رویکرد فقهی - حقوقی نشان داد که در فقه امامیه، حضانت یک وظیفه اجتماعی است نه صرفاً حق فردی والدین؛ بنابراین دولت اسلامی موظف است در صورت استنکاف والدین، با ابزارهای مشروع و متناسب، اجرای حکم را تضمین کند. ضعف اصلی نظام اجرایی ایران نه در مبنای شرعی بلکه در ابزارهای حقوقی است؛ از این رو اصلاح قوانین و نهادسازی تخصصی ضرورت دارد. پیشنهادهای عملی این پژوهش عبارتند از: تأسیس مرکز و واحدهای اجرای خانواده؛ تصویب آیین نامه اختصاصی اجرای احکام حضانت؛ جایگزینی جریمه روزشمار به جای حبس والد ممتنع؛ طراحی مراکز ملاقات ایمن؛ ارتقای آموزش قضات و ضابطان؛ ترویج عدالت ترمیمی و الحاق مشروط ایران به کنوانسیون لاهه. از منظر فقه امامیه، این اصلاحات نه تنها تعارضی با شریعت ندارند بلکه عین تحقق مقاصد شریعت یعنی حمایت از نفس و نسل می باشند.



References

1. Akhondi, M. (2019). Civil procedure law, Vol. 6: Enforcement of judicial judgments. Tehran: Mizan Publishing. **[In Persian]**
2. Al Sharif, N. (2018). Child custody and enforcement of family judgments in Egypt. *Cairo University Law Review*, 45(2), 133–167.
3. Aghaei, S., & Karimi, L. (2023). Child custody enforcement in Iran: Legal and social perspectives. *Journal of Family Law Research*, 8(2), 41–68. <https://doi.org/10.22059/jflr.2023.35175> **[In Persian]**
4. Bagheri, F. (2020). Enforcement of international child abduction cases under the Hague Convention. *International Journal of Family Law*, 12(1), 44–72. <https://doi.org/10.2139/ssrn.3738109> **[In Persian]**
5. Bagheri, H. (2024). Children’s rights and due process in family enforcement proceedings. *Human Rights Law Review*, 24(1), 91–123. <https://doi.org/10.1093/hrlr/ngad024> **[In Persian]**
6. Bagheri Moghaddam, R. (2021). Islamic approaches to children’s welfare in comparative perspective. *Journal of Islamic Law and Society*, 28(1), 77–104. <https://doi.org/10.1163/156851952801> **[In Persian]**
7. Cour de Cassation. (2022). Annual report on the enforcement of family decisions. Paris: Ministry of Justice.
8. Family Protection Act. (2012). Adopted 20 February 2012, with subsequent amendments.
9. Fineman, M. (2021). Family justice and the enforcement of custody orders. Oxford: Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780197285557.001.0001>
10. Fineman, M., & Harris, A. (2020). Preventive family policy and restorative custody enforcement. *Family Court Review*, 58(3), 407–429. <https://doi.org/10.1111/fcre.12479>



11. Hedayati, M. (2023). Institution-building in the family enforcement system. *Social Law Quarterly*, 14(3), 87–112. **[In Persian]**
12. Hojjati, M. H. (2024). A jurisprudential analysis of the no-harm rule in family law. *Contemporary Jurisprudence and Law*, 10(2), 45–70. **[In Persian]**
13. Imami Civil Code of Iran. (Articles 1168–1179). **[In Persian]**
14. Ja'fari Langroudi, M. J. (2017). *Legal terminology*. Tehran: Ganj-e Danesh. **[In Persian]**
15. Judiciary Legal Department. (2019). Advisory opinion No. 7/98/562 on the enforcement of custody judgments. Tehran: Legal Affairs Division.
16. Judiciary Legal Department. (2020). Advisory opinion No. 7/99/834 on enforcement guarantees for child restitution. Tehran.
17. Judiciary Research Center. (2023). National report on child rights education for family court judges. Tehran: Training Division.
18. Karimi, M., & Rahimi, A. (2022). Cross-border parental abduction and the role of Iranian law. *Middle East Law Review*, 45(2), 211–234. **[In Persian]**
19. Karimzadeh, M. (2022). Enforcement policy of custody orders in Islamic countries. *Asian Journal of Comparative Law*, 17(3), 501–529. <https://doi.org/10.1017/asjcl.2022.30> **[In Persian]**
20. Kazemi, B. (2021). An analysis of the role of law enforcement forces in executing family judgments. *Journal of Public Law and Social Security*, 11(4), 77–102. **[In Persian]**
21. Makarem Shirazi, N. (2022). Rules concerning the child and custody in Islamic jurisprudence. Qom: Dar al-Qur'an al-Karim. **[In Persian]**
22. Mansouri, N. (2020). Cultural attitudes toward child custody in Iran. *Law and Society Research*, 6(2), 71–95. **[In Persian]**
23. Mousavi Bojnourdi, M. J. (2018). *Contemporary family jurisprudence and law*. Qom: Islamic Jurisprudence Assembly Publishing Office. **[In Persian]**



24. Naseri, M., & Babaei Nour, H. (2024). Simulation of the no-harm rule in the family enforcement system. *Journal of Contemporary Jurisprudence and Law*, 9(2), 63–91. **[In Persian]**
25. Nikpey, H. (2022). Enforcement guarantees for refusal of child custody in Iranian law. *Judicial Law Journal*, 69(4), 85–112. **[In Persian]**
26. Pryor, S. (2019). *The enforcement of custody orders under the 1980 Hague Convention*. Oxford: Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198844814.001.0001>
27. Qasemzadeh, M. (2022). Challenges in enforcing custody judgments in Iran. *Family Law Studies Quarterly*, 9(1), 33–58. <https://doi.org/10.52547/jfr.1401.9.1.33>**[In Persian]**
28. Rastegar, A. (2023). Virtual child visitation in light of the rule of possession and Imami jurisprudence. *Contemporary Jurisprudence and Law*, 12(2), 201–230. **[In Persian]**
29. Sabzealian, A. (2022). Court jurisdiction in enforcing custody judgments. *Judicial Law Journal*, 71(2), 83–109. **[In Persian]**
30. Subhani, J. (2021). *The family system in Islam*. Qom: Imam Sadiq Institute. **[In Persian]**
31. UNICEF. (2019). *Guidelines for supervised visitation centers*. Geneva: United Nations Child Protection Division.
32. Vigouroux, J. (2020). Non-compliance with child custody decisions and its sanctions. *Revue de droit de la famille*, 3(4), 201–230. <https://doi.org/10.3917/rdfm.204.0201>
33. Vigouroux, J. (2023). Implementation of penalty payments in family law. *Revue trimestrielle de droit civil*, 29(1), 55–83. <https://doi.org/10.3917/rtdc.231.0055>
34. Vigouroux, J., & Dutilleul, L. (2018). Monetary sanctions in the enforcement of family judgments in comparative law. *Revue internationale de droit comparé*, 70(2), 315–344. <https://doi.org/10.3406/ridc.2018.8510>
35. Yazdi, M. K. (2016). *Al-Urwat al-Wuthqa (Book of Marriage)*. Qom: Al-Maktaba al-Islamiyya. **[In Persian]**



36. Zahrapour, L., Nazemi, S., et al. (2023). Psychological consequences of coercive enforcement of custody on children. *Child Psychology Quarterly*, 4(3), 121-148. **[In Persian]**